



بسم الله الرحمن الرحيم  
خدای متعال را سپاسگزاریم که نفسهای گرم و دلهای بانشاط جوانان قم، به مناسبت نوزدهم دی، یک بار دیگر فضای این حسینیه را معطر کرد. یقیناً آگاهی و بیداری و بصیرت مردم عزیز قم و پاسخی که آنها با همه‌ی وجود خودشان به حوزه‌ی علمیه و به مرجع تقلیدشان دادند، یک حادثه‌ی ماندگار در طول تاریخ است و خواهد ماند.

اگر ما حادثه‌ی نوزدهم دی را مبدأ تاریخ تحولات جدید دنیا بدانیم، شگفت‌آور نیست و سخنی به گزاف گفته نشده است. حوادث جامعه‌ی بشری و این عالم بزرگ، متأثر از قانون تأثیر متقابل است. حوادث بر روی هم تأثیر میگذارد و زنجیره‌ی حوادث تاریخی، وقایع بزرگ را به وجود می‌آورد. اگر اینجور تصویر کنیم صورت مسئله را، که حرکت مردم قم در روز نوزدهم دی در سال 56 یک جرقه‌ای بود در فضای ظلمانی عجیب خفقان آن روز - که شرح اختناقی که آن روز در کشور وجود داشت و همه دنیای به اصطلاح طرفدار آزادی، پشتیبان آن خفقان بودند و از حکمرانان و سلطه‌گران مستبد و دیکتاتور با همه‌ی وجودشان دفاع میکردند، کتابهای زیادی لازم دارد - در یک چنین فضائی، این خونهای پاکی که در چهارمردان قم ریخته شد و حرکت عظیم مردم قم را در روز نوزدهم دی پدید آورد، جرقه‌ای بود که در حقیقت اصابت کرد به انبار و آذوقه‌ی ذخیره‌ی عظیم ایمانی این مردم، و ناگهان فضا را منقلب کرد.

اگر حادثه‌ی نوزده دی قم نمیبود، آن حوادث گوناگون شهرستانها و سلسله‌ی اربعین‌ها که مردم را به میدان مبارزه کشاند، به وجود نمی‌آمد. اگر آن تحولات و آن حوادث نبود، 22 بهمن به وجود نمی‌آمد، انقلاب اسلامی به پیروزی نمیرسید. انقلاب اسلامی به پیروزی رسید، چالش با استکبار شروع شد، هیبت استکبار شکست، هیبت آمریکا و صهیونیسم شکست. اگر این شکسته شدن هیبت پوشالی ابرقدرتها - که با هیبت خودشان بیش از واقعیت وجود خودشان در دنیای انسانها تصرف میکنند - مسلمانها را در کشورهای مختلف به فکر انداخت و بیدار کرد، ایستادگی مردم ایران، مظلومیت ملت ایران در حوادث مختلف، در جنگ تحمیلی، در دوران سخت توأمان دفاع مقدس و تحریم - اینکه ملت ایران اینجور محکم ایستادند، با ثبات پیش رفتند - ملتها را تکان داد. اگر این ثبات نبود، اگر این ایستادگی نبود، اگر این به چالش کشیدن هیبت دروغین ابرقدرتها نبود، ملتها وارد میدان نمیشدند؛ بیداری اسلامی به وجود نمی‌آمد؛ این حوادثی که امروز منطقه را دارد دگرگون میکند و نقش جدیدی میزند، به وجود نمی‌آمد. حوادث از یک نقطه شروع میشود و زنجیره‌وار پیش میرود. اگر استقامت بود، صبر بود، تداوم در راه بود، استمرار عمل بود، آن وقت همه‌ی خیرات و همه‌ی برکات بر آن مترتب میشود.

ایستادگی شرط اول است. ملتها در راهی که شروع میکنند، باید استقامت کنند؛ «فلذلك فادع و استقم كما امرت». (1) در قرآن کریم، دستور استقامت به نبی مکرم اسلام در جاهای متعددی داده شده است؛ سرش همین است. باید ایستاد، باید ثبات به خرج داد، باید راه را گم نکرد، هدف را همواره در مقابل چشم داشت و به‌طور مستمر باید پیش رفت. اگر این شد، پیروزی‌ها پی‌درپی خواهد آمد؛ همچنان که برای ملت ایران پیش آمده است.



ملت ایران این تجربه‌ی بزرگ را امروز در مقابل ملت‌های دیگر قرار داده است؛ تجربه‌ی موفقیت ناشی از دو عامل بصیرت و صبر. بصیرت یعنی گم نکردن راه، اشتباه نکردن راه، دچار بیراهه‌ها و کجراهه‌ها نشدن، تأثیر نپذیرفتن از وسوسه‌ی خناسان و اشتباه نکردن کار و هدف. و صبر یعنی ایستادگی. نسلها دست به دست به یکدیگر تحویل میدهند. امروز به حول و قوه‌ی الهی نسل جوانی در کشور ما حضور دارد که دوران انقلاب را ندیده است، دوران جنگ را درست درک نکرده است، اما در عین حال با همان روحیه، با همان احساس، با همان انگیزه، با همان تصمیم قاطع، در میدان ایستاده است؛ این خیلی مهم است، این هنر انقلاب اسلامی است. باید عوامل این ایستادگی و این بصیرت را در میان خودمان تقویت کنیم.

دو چیز به هم پیوسته وجود دارد که اینها زنجیره‌های اقتدار ملت را تشکیل میدهد: یکی تصمیم قاطع نظام مقدس جمهوری اسلامی است بر عدم انحراف، عدم تسلیم، ایستادگی کردن در مقابل زیاده‌خواهی و زورگویی از سوی ابرقدرتها و از سوی استکبار. نظام اسلامی به مجموع خود، با هویت جمعی خود، به‌طور قاطع میداند چه کار میکند و راه را انتخاب کرده است و ایستاده است. این، عامل اول. عامل دوم، حضور هوشمندان و مصممانه‌ی مردم وفادار. اگر این دو از هم جدا میشدند، اگر مسئولان نظام و مدیران کشور بودند، اما مردم در صحنه نبودند، یقیناً کار پیش نمیرفت. اگر مدیران نظام دچار اختلال میشدند در نیت خود، در تشخیص خود، در فهم خود، در تصمیم‌گیری خود در مقابل لشکر متراکم کفر و ضلالت که در مقابلشان صف کشیده‌اند، یقیناً این در اختلال نظام تأثیر می‌گذاشت؛ مردم را هم از صحنه خارج میکرد. این دو عامل با یکدیگر هست، امروز هم هست و ان‌شاءالله در آینده هم خواهد بود. با وجود این دو عامل، هیچکدام از ضربه‌ها و ترفندها و کیدها و توطئه‌های دشمن در این ملت اثری نخواهد گذاشت.

امروز جبهه‌ی مقابل ما - که سردمدار آن جبهه هم آمریکا و صهیونیست‌ها هستند - به تمام طرقی که میتواند است متوسل و متشبث بشود، متشبث شده؛ از تمام راه‌ها که میتواند برای مقابله‌ی با ملت ایران بهره‌گیری کند، بهره‌گیری کرده است، برای اینکه بتواند این دو عامل، یعنی عامل تقویت‌کننده‌ی نظام، و عامل ایستادگی مردم در صحنه را تضعیف کند و از بین ببرد. خودشان هم همین را تصریح میکنند؛ می‌گویند این تحریم‌هایی که ما بر علیه ایران تصویب و اجرا میکنیم - و با عناد کامل دنبال میکنند - برای این است که مردم را خسته کنیم، مردم از صحنه خارج شوند، مردم به نظام اسلامی پشت کنند. یا این کار صورت بگیرد، یا در اراده‌ی مسئولین رخنه به وجود بیاید؛ مسئولین در محاسبات خودشان تجدیدنظر کنند. تعبیر آنها این است: می‌گویند میخواهیم مسئولین جمهوری اسلامی احساس کنند که هزینه‌ی تصمیم‌گیری‌های آنها بالاست. این یعنی رخنه ایجاد کردن در اراده‌ی مسئولین کشور. با همه‌ی توانشان، با همه‌ی ترفندهایی که بلدند، دارند این دو کار را دنبال میکنند. یا در مردم ایجاد تردید کنند و مردم را از نظام جدا کنند، یا در مسئولین ایجاد تردید کنند و مسئولین را وادار کنند که در تصمیم‌های خودشان تجدیدنظر کنند. اشتباه کردند؛ هیچکدام را نمیتوانند انجام دهند.

يك روز در صدر اسلام، دشمنان به نظرشان رسید که با شعب ابی‌طالب و محاصره‌ی اقتصادی مسلمانها، آنها را از



پا بیندازند ؛ اما نتوانستند. این روسیاه‌های بدمحاسبه‌گر خیال میکنند ما امروز در شرائط شعیب ابی‌طالبیم. اینجور نیست. ما امروز در شرائط شعیب ابی‌طالب نیستیم ؛ ما در شرائط بدر و خیبریم. ما در شرائطی هستیم که ملت ما نشانه‌های پیروزی را به چشم دیده است ؛ به آنها نزدیک شده است ؛ به بسیاری از مراحل پیروزی، با سرافرازی دست پیدا کرده است. امروز مردم ما را از محاصره‌ی اقتصادی میترسانند؟ با این حرفها، با این ترفندها میخواهند مردم را از صحنه بیرون کنند؟ مگر چنین چیزی ممکن است؟ امروز میخواهند در اراده‌ی مسئولین اختلال ایجاد کنند؟ «قل هذه سبیلی ادعوا الی الله علی بصیرة انا و من اتبعنی» ؛ (2) این راهی است که با بصیرت انتخاب شده است، این راهی است که با مجاهدت باز شده است، این راهی است که با خون عزیزترینها هموار شده است. ما از این راه رفتیم، به قله‌هائی هم دست پیدا کردیم. ما متوقف نمیشویم، ان‌شاءالله پیش میرویم ؛ ولی تا امروز هم به قله‌های بسیاری دست پیدا کرده‌ایم. جمهوری اسلامی، امروز کجا، بیست سال و سی سال قبل کجا؟ دشمنان جمهوری اسلامی، هیمنه و باد و بروت آن روزشان کجا، ضعف و انکسار امروزشان کجا؟ اینها نشانه‌هائی است که ملت ایران را تشویق میکند. نخیر، در ادامه‌ی راه اسلام - که راه خداست، راه دین است، راه سعادت دنیا و آخرت است - اراده‌ی مسئولین همچنان مستحکم خواهد ماند ؛ مردم هم امروز و در آینده، پای ثابت این حرکت عظیم خواهند بود.

یکی از جاهائی که مردم میتوانند حضورشان را نشان بدهند، همین انتخابات است. نه از حالا، از مدتی قبل شروع کرده‌اند ؛ که شاید کاری کنند که در این انتخابات، حضور مردم کم شود. میشنوید دیگر، می‌بینید ؛ حالا در آن مقداری که به گوش مردم میرسد، به چشم مردم میرسد، در مطبوعات و در رسانه‌های گوناگون، دشمنان ما، از آن صدر گرفته است، که مرکز و قرارگاه فرماندهی جبهه‌ی کفر و استکبار است، تا این پادوها و ایادی کوچک و پیاده‌نظامشان که همه جا پخشند - اینجا هم هستند، بیرون هم هستند - همه‌ی تلاششان این است که کاری کنند که مردم در این انتخابات شرکت نکنند. من با تجربه‌ای که از رفتار این مردم دارم، و با اعتمادی که به لطف خدای متعال دارم، پیش‌بینی میکنم که به لطف الهی، به فضل الهی، به حول و قوه‌ی الهی، حضور مردم در این انتخابات، یک حضور دشمن‌شکن خواهد بود و با این انتخابات، خون تازه‌ای به پیکر انقلاب و کشور و نظام جمهوری اسلامی دمیده خواهد شد ؛ حرکت تازه‌ای برای او پیش خواهد آمد، نشاط تازه‌ای پیدا خواهد کرد ؛ همچنان که همه‌ی انتخاباتها همین جور است. انتخابات مظهر حضور مردم است ؛ مظهر دخالت مردم در سرنوشت خود است.

البته آفتهائی وجود دارد ؛ باید سعی کنیم این آفتها پیش نیاید. مردم ما و کشور ما از انتخابات سال 88 بهترین خاطره‌ها و بدترین خاطره‌ها را دارند. بهترین خاطره‌ها حاصل حضور عظیم چهل میلیونی مردم پای صندوقهای رأی بود، که دنیا را خیره کرد ؛ بدترین خاطره‌ها مربوط به جرزنی‌های سیاسی یک عده آدم نادان، ناباب و بعضاً معاند در قضیه‌ی انتخابات بود. خب، در هر قضیه‌ای، در هر حادثه‌ای ممکن است یک عده‌ای قبول نداشته باشند، معترض باشند. چگونه باید اعتراض را نشان داد؟ قانون، راه معین کرده است. چرا قانون‌شکنی کنند؟ چرا برای مردم هزینه درست کنند؟ چرا کشور را دشمن شاد کنند؟ چرا برنامه‌هائی را که عفونت تصمیم‌گیری‌ها و ترفندهای دشمن از آن بلند و آشکار است، اجرا کنند؟ قانون، راه معین کرده است. آنجا ما گفتیم، به همه هم گفتیم، همه‌ی اطراف قضیه هم ملزم بودند که بر طبق آنچه که گفته شده است - که مرّ قانون است - عمل کنند. چرا نکردند؟!



آنها کاری از پیش نبردند. و تا این ملت توی صحنه‌اند، تا این پیوند وجود دارد، هیچ کس در این کشور، در کارهای خلاف، کاری از پیش نخواهد برد. کاری از پیش نبردند و نمی‌برند، اما برای کشور هزینه درست کردند، برای ملت هزینه درست کردند؛ چرا؟ با آن انتخابات باشکوه و پر عظمت، میشد کشور این هزینه را تحمل نکند.

عوامل گوناگونی وجود داشتند. باید این برای ما تجربه باشد، باید درست باشد، باید همه مراقب باشیم. انتخابات مظهر حضور مردم و محصول آن، مظهر رأی مردم و خواست مردم است؛ باید به آن احترام گذاشت.

انتخابات باید سالم باشد، رقابتی باشد. رقابت غیر از خصومت است، رقابت غیر از تهمت‌زنی متقابل است؛ اینها را باید همه مواظب باشیم. رقابت این نیست که کسی اثبات خود را متوقف بر نفی دیگری بداند. رقابت این نیست که کسانی بیایند برای جلب نظر مردم، وعده‌های خلاف قانون اساسی، خلاف قوانین عادی بدهند؛ اینها نباید باشد. کسانی که وارد عرصه‌ی انتخابات میشوند، چه از طرف مجریان و مسئولان، چه از طرف کسانی که نامزد میشوند، بایستی به آداب و شروط یک حرکت عمومی سالم پایبند باشند، متعهد باشند؛ این لازم است.

مجریان باید تمام سعی خودشان را بکنند که امانتداری کنند. خوشبختانه انتخاباتهای ما در طول این سالهای متمادی - این همه ما انتخابات داشتیم؛ بیش از سی انتخابات در این سی و دو سال - انتخابات سالمی بودند. برخی اوقات بعضی‌ها ادعا کردند که انتخابات ناسالم است؛ ما فرستادیم تحقیق کردند، تدقیق کردند - هم در زمان حیات مبارک امام (رضوان الله علیه)، هم بعد از آن - دیدند نه، ممکن است گوشه و کنار تخلفاتی باشد، اما چیزی که انتخابات را ناسالم کرده باشد، نتیجه‌ی انتخابات را تغییر بدهد، مطلقاً اتفاق نیفتاده؛ همانی که مردم انتخاب کردند، در بیرون واقع شده است. باید سعی کنند انتخابات سالم باشد؛ این به عهده‌ی مجریان است؛ چه مجریان در دولت و وزارت کشور، چه در دستگاه شورای محترم نگهبان.

باید مراقبت کنند. هیچ چیزی از قانون بالاتر و عزیزتر نیست. در دنیا معروف است، میگویند قانون بد هم از بی‌قانونی بهتر است. بعید نیست آدم این را قبول داشته باشد؛ چون بی‌قانونی، هرج و مرج است؛ قانون بد لااقل یک ضابطه‌ای است؛ خب، انسان اصلاحش میکند. خوشبختانه قوانین انتخاباتی ما قوانین خوبی است؛ ممکن است بعدها کاملتر و بهتر هم بشود.

کسانی هم که وارد عرصه‌ی انتخابات میشوند، باید یک تقیداتی، تعهداتی داشته باشند. این، خطاب به همه‌ی کسانی است که به عنوان نامزد وارد عرصه‌ی انتخابات میشوند، و خطاب به همه‌ی مردم است. مردم عزیزمان در سراسر کشور این رفتارها را در نامزدهای انتخابات تفرس کنند، دنبال کنند، دقت کنند. نامزد انتخابات باید با قصد



خدمت وارد شود. اگر با قصد قدرت‌طلبی و جمع‌کردن پول و مسائل گوناگون و انگیزه‌های ناسالم دیگر وارد شود، به کشور خدمت نمی‌کند. نامزد انتخابات باید با انگیزه‌ی خدمت وارد شود؛ این را باید تشخیص داد، باید فهمید، باید حدس زد. اگر چنانچه نامزدها به مراکز ثروت و قدرت متصل شوند، کار خراب می‌شود؛ همچنان که امروز در به‌اصطلاح دموکراسی‌های دنیا، در آمریکا و غیر آمریکا این رسم هست؛ کمپانی‌ها و پولدارها به نامزد انتخابات در ریاست جمهوری یا در انتخابات کنگره پول می‌دهند، ولی او در مقابل آنها متعهد است. آن رئیس‌جمهوری که با پول دستگاه‌های گوناگون و مراکز ثروت سر کار بیاید، در مقابل آنها متعهد است. آن نماینده‌ی مجلسی که با پول فلان شرکت و فلان کمپانی و فلان ارباب و فلان پولدار توی مجلس بیاید، مجبور است آنجائی که آنها لازم میدانند، قانون جعل کند، قانون بردارد، توسعه و تضییق در قانون بکند. این نماینده به درد مردم نمی‌خورد. نه باید به مراکز ثروت‌های شخصی متصل بود، و نه به طریق اولی به ثروت‌های عمومی. کسی بیاید از پول بیت‌المال مصرف کند، برای اینکه به وکالت مجلس برسد؛ این دو برابر اشکال دارد، اشکال مضاعف دارد. اینها را باید مردم مراقب باشند. البته هر کسی را هم نمیشود متهم کرد. بگوئیم آقا این وابسته‌ی به فلان جاست، این وابسته‌ی به فلان کس است، این فلان پول را خرج کرده؛ باید اینها هم روشن شود، باید ثابت شود.

مردم باید چشمها را باز کنند، ملتفت باشند. خوشبختانه مردم ما بیدارند. افرادی که میتوانند انسان را خاطر جمع کنند، بین انسان و خدا حجت برای انسان درست کنند، انسان به اینها اطمینان کند؛ آنجائی که خودش میتواند تحقیق کند، تحقیق کند. اینها لازم است. باید دقت شود. ان شاء الله انتخابات خوبی انجام بگیرد؛ انتخابات پرشور، با حضور مردم. مردم درست بشناسند، درست انتخاب کنند و ان شاء الله مجلسی تشکیل شود باب نظام اسلامی. و به لطف الهی ان شاء الله همین جور هم خواهد شد.

ما اگر از خدا بخواهیم، وارد بشویم، تک تک ما احساس مسئولیت کنیم، قصدمان این باشد که نظام اسلامی و اسلام و ملت ایران را سر بلند کنیم، خوشبخت کنیم، سعادت برای دنیا و آخرت‌مان فراهم کنیم، راه الهی بسته نیست. ما اگر چنانچه قدم برداریم، خدای متعال راه را باز میکند؛ عمده این است که ما همت کنیم، تصمیم بگیریم، بنا بگذاریم.

من مطمئنم که این انتخابات برای ملت‌های دیگر هم يك نشانه‌ای است. برای همین هم هست که دستگاه‌های خبیث استکبار، از آمریکا و انگلیس و صهیونیستها و دیگران، دارند مرتباً تلاش میکنند که این انتخابات را به یک جوری خراب کنند، مخدوش کنند. کشورهای دیگر نگاه میکنند ببینند این پیشکسوت انتخاباتی و انقلابی - که ملت ایران است - چه کار خواهد کرد. ملت ایران در این زمینه، جزو پیشکسوت‌هاست. ملت‌های دیگر نگاه میکنند ببینند انتخابات در ایران به کجا خواهد رسید. استکبار دوست دارد که انتخابات در کشور ما آنچنان بشود که ملت‌ها را مأیوس کند. ... (3) خب، شما دیگر حرف آخر را گفتید! «مرگ بر آمریکا» همان حرف آخر است.



پروردگارا! به محمد و آل محمد، تفضلات خودت، هدایت خودت، رحمت خودت، دستگیری خودت را شامل حال این ملت عزیز بگردان. پروردگارا! جوانان ما را مورد نظر حضرت بقیة الله ( ارواحنا فداه ) و مشمول دعای آن بزرگوار قرار بده. روزی که پیروزی های ملت ایران را روزافزون بفرما.

والسلام علیکم و رحمة الله و برکاته

(1) شوری: 15

(2) یوسف: 108

(3) شعار «مرگ بر آمریکا»